

Explaining the Use of the Word "Khusran" (Loss) in the Quran to Derive Principles of Religious Education

Mahdiyeh Keshani¹

Abazar Kafimosavi²

1 Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University of Isfahan, Isfahan, Iran. m.keshani@cfu.ac.ir

2 Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University of Isfahan, Isfahan, Iran (The Corresponding Author). a.kafi@cfu.ac.ir

DOI: 10.22034/iscw.2024.2045264.1111

*Original
Research*

Received:

2024-11-08

Accepted:

2024-12-13

Keywords:

Khusran
(Loss),
Quran,
Educational
Principles,
Religious
Education.

Abstract: Examining Quranic keywords from an educational perspective is an approach that can provide understanding and inference of the foundations and principles of education. The keyword "Khusran" (loss) is one of the most frequently recurring terms in the Quran, and explaining its pattern of usage in the Quran and understanding the meanings associated with the verses in which this keyword appears can pave the way for the derivation of principles of religious education. In this regard, the present study intends to provide an educational commentary on the word "Khusran" in the Quran to derive the aforementioned principles. To achieve this purpose, and due to the multifaceted nature of this article, the research method is a combination of descriptive phenomenological stages in the stage of referencing Quranic verses, analysis and coding of data according to the grounded theory strategy with MAXQDA software in three parts: open coding, axial coding, and selective coding, and qualitative content analysis in an inductive manner in the field of educational implications. The results of the research indicate that the theoretical model of the term "loss" can be divided into five categories: factors of loss, immunity from loss, matters susceptible to loss, degrees of loss, and material losses. Furthermore, six educational principles can be extracted from this theoretical and conceptual model for religious education, which include the following: the necessity of raising awareness of the fatalism inherent in "Khusran," the necessity of confronting losses, the necessity of ranking when facing losses, the necessity of paying attention to false illusions in "Khusran," the necessity of paying attention to the element of compliance and influence in "Khusran," and the necessity of a dual perspective on "Khusran."

تبیین کاربرد واژه «خسران» در قرآن در راستای استنباط اصول تربیت دینی

مهديه كشاني^۱ اباذر كافي موسوي^۲

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان اصفهان، اصفهان، ایران. m.keshani@cfu.ac.ir

۲. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

a.kafi@cfu.ac.ir

DOI: 10.22034/iscw.2024.2045264.1111

چکیده: نگاه به کلیدواژه‌های قرآنی از منظر تربیتی، رویکردی است که می‌تواند باب فهم و استنباط مبانی و اصول تعلیم و تربیت را فراهم نماید. کلیدواژه خسران از جمله واژگان مرتبط پرتکرار قرآنی است که تبیین الگوی کاربرد آن در قرآن و فهم تعابیر مرتبط با آیاتی که این کلیدواژه در آن‌ها به کار برده شده است، می‌تواند راهگشای اصول تربیت دینی باشد. در همین راستا، پژوهش حاضر قصد دارد در راستای استنباط اصول فوق، به واژه خسران در قرآن، نظری تربیتی بیندازد. برای دست‌یابی به این منظور و به دلیل چندوجهی بودن مقاله حاضر، روش پژوهش ترکیبی از مراحل پدیدارشناسی توصیفی در مرحله رجوع به آیات قرآن، تحلیل و کدگذاری داده‌ها به شیوه استراتژی داده بنیاد با نرم‌افزار MAXQDA در سه بخش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی و تحلیل محتوای کیفی به شیوه استقرایی در بخش دلالت‌های تربیتی است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که الگوی نظری واژه خسران در قالب پنج دسته عوامل خسران، مصونیت از خسران، امور خسران‌پذیر، درجات خسران و خسران‌های مادی قابل تقسیم است. همچنین شش اصل تربیتی از این الگوی نظری و مفهومی برای تربیت دینی قابل استخراج است که شامل موارد زیر می‌باشد: لزوم آگاهی بخشی عاقبت‌گرا در خسران، لزوم مواجهه با خسران، لزوم مرتبه‌بندی در مواجهه با خسران، لزوم توجه به خیال باطل در خسران، لزوم توجه به عنصر پیروی و اثرگذاری در خسران، لزوم نگاه دو وجهی به خسران.

صص:

۲۴۷-۲۲۲

مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۱۸

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۳

کلید واژه‌ها:

خسران،

قرآن،

اصول تربیتی،

تربیت دینی



۱. مقدمه و بیان مسئله

خسران، کاهش و کم شدن اصل سرمایه است. کاربرد این واژه بیشتر در مال و جاه است و در امور نفسی [صحت و سلامت]، عقل، ایمان و ثواب نیز استعمال می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸۱ و ۲۸۲). در این نوشتار از واژه‌های «خسر» و مشتقات آن و آنچه در معنای خسران آمده استفاده شده است. باید توجه داشت همان‌گونه که در نگاه و رویکرد کلی به قرآن می‌توان نکات و مبانی تربیتی برای زندگی انسان استخراج نمود، در نگاه خرد و با توجه به استخراج الگوی کلمات قرآنی و دسته‌بندی و نظم‌دهی به آن‌ها می‌توان در راستای تربیت حیات‌بخش برای انسان قدم برداشت. به همین منظور واژه خسران که از جمله کلمات پرتکرار قرآنی است با رویکردی تربیتی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمه «اصل» به معنای گوناگون به کار می‌رود. این کلمه در لغت به معنای بن، اساس، ریشه، بنیان، جوهر و مبنا هست (میرزایی، ۱۳۸۸، حرف الف). در اصطلاح نیز معنای متفاوتی از این کلمه مدنظر است. می‌توان گفت که در هر قلمرویی از دانش اصل معنایی متناسب با آن قلمرو دارد. در حوزه تعلیم و تربیت، مقصود از اصول، قواعدی است که می‌توان آن را نوعی دستورالعمل کلی و راهنمای عملی تدابیر تربیتی دانست (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۸: ۵۵). بر همین اساس و با توجه به مبانی نظری و شناختی که در قرآن و در ارتباط با واژه خسران و الگوی کاربرد آن وجود دارد، می‌توان اصولی را برای تربیت دینی استنباط نمود که علاوه بر کمک نمودن به وظایف معلم در تربیت دینی، می‌تواند به‌عنوان راهبردهای کلی در تعلیم و تربیت مورد استناد قرار گیرد. باید اذعان نمود نگاه به تدریس و تربیت از دریچه مبانی قرآنی می‌تواند اتکابی متقن و مستحکم در راستای فعالیت‌های تربیتی باشد. به عبارتی کار معلمی زمانی ثمربخش است که فعالیت‌ها و وظایف معلمی در آن با نگاه به مبانی علمی و دینی به‌صورت توأمان باشد.

«تربیت دینی» به معنای تربیت بعد دینی انسان یعنی؛ مجموعه اعمال عمدی که با هدف آموزش گزاره‌های اعتقادی یک دین و پرورش ایمان و التزام عملی به آن آموزه‌ها صورت می‌گیرد (اخلاقی، ۱۳۸۸: ۹۳). در این معنا بُعد دینی انسان، هم‌عرض ابعاد دیگر او مانند بعد عقلی، بعد عاطفی، بعد اجتماعی، بعد جنسی و دیگر

ابعاد انسان است؛ بنابراین همان‌طور که می‌توان درباره‌ی بعد عقلی انسان و چگونگی تربیت این بعد سخن گفت، تربیت بعد دینی او نیز به‌عنوان فرایندی عملی قابل بررسی و مطالعه‌ی علمی است. بر اساس آنچه بیان شد، مسئله پژوهش حاضر این است که در نگاهی تربیتی به قرآن و با رویکرد جزئی‌نگر به کلیدواژگان پرتکرار خسران در قرآن، ابتدا الگوی کاربرد این واژگان را استخراج نموده و بر اساس الگوی نظری و مفهومی فوق، دلالت‌های تربیتی برای معلمی را در راستای تربیت دینی نسل‌های آینده را استخراج و استنباط نماید. با توجه به مقدمات فوق، می‌توان در باب ضرورت‌سنجی نوشتار حاضر، به موارد زیر اشاره نمود:

- ✓ نگاه تربیتی به قرآن جهت استنباط اصول مستخرج برای تربیت دینی
- ✓ نگاه خرد به کلیدواژه خسران در قرآن و استخراج الگوی نظری و مفهومی مرتبط با آن
- ✓ استنباط اصول برای تربیت دینی بر اساس الگوی استخراج‌شده در رابطه با کلیدواژه خسران در قرآن
- ✓ توجه به غنی بخشی به مبانی تربیت در کار معلمی بر اساس گزاره‌های مستخرج از مبانی دینی
- ✓ توجه به استخراج رویکردهای کلان نظری و مفهومی قرآنی از رهگذر نگاه به رویکردهای خرد در مقیاس کلیدواژه‌های خاص

۲. اهداف و سؤالات پژوهش

پژوهش حاضر سعی دارد در نگاهی جامع به تمام آیات قرآن در ارتباط با واژه خسران، الگوی نظری و مفهومی مرتبط با این کلیدواژه را استخراج نموده تا از این رهگذر اصول لازم در راستای تربیت دینی را، مورد استنباط قرار دهد. با این توصیف سؤالات پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- الگوی نظری و مفهومی واژه خسران در قرآن چیست؟
- ۲- بر اساس الگوی نظری و مفهومی واژه خسران در قرآن، اصول تربیتی در راستای تربیت دینی چه می‌باشد؟

۳. پیشینه پژوهش

مطالعه در باب کلیدواژه‌های قرآنی، همیشه مورد توجه پژوهشگران و نویسندگان بوده و هست. منتها نگاه به کلیدواژه خسران در قالب استخراج الگوی نظری و مفهومی آن، رویکردی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین تبیین ارتباط کلیدواژه خسران و اصول تربیت دینی، موضوعی است که هیچ تحقیقی در رابطه با آن صورت نگرفته است. با توجه به این موضوع و پس از بررسی پیشینه پژوهش، می‌توان به تألیفات زیر که ارتباط مستقیم‌تری با موضوع تحقیق حاضر دارد، اشاره نمود:

انصاری مقدم (۱۴۰۳) در مقاله‌ی «تحلیل تفسیری راهکارهای جلوگیری از خسران در سوره مبارکه عصر» بیان می‌دارد خسران به معنای زیان کردن هلاکت و ضلالت ذکر شده است. خدای متعال در سوره مبارکه عصر راه‌های جلوگیری از خسران را بیان نموده است: ۱. ایمان، ۲. عمل صالح، ۳. توصیه به حق و ۴. توصیه به صبر. مطابق با توصیه خدای متعال در این سوره هر کس این چهار راهکار را عمل نماید از خسران و زیان به دور خواهد ماند.

صفری و شایان (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «تحلیل مدیریت خسران از منظر قرآن» بیان می‌دارند قرآن کریم «خسران» را ۶۵ مرتبه در ۳۵ سوره به‌عنوان یک چالش اساسی در حیات فردی و اجتماعی بشر معرفی نموده، مصادیق خاسران (حزب شیطان، قایبل، مخالفین و منکرین پیامبران، کافران و تابعانشان، مشرکان، ظالمان، نقض تعهدات و...) را برشمرده و راهکارهایی (ایمان، عمل صالح، توأسی به حق، توأسی به صبر، اندیشه و تعقل و...) را جهت جلوگیری از خسران در اختیار انسان قرار داده، «از دست دادن اصل سرمایه نه ضرر اندک» را معنای محوری این واژه دانسته، گستره خسران فراگیر و ناظر به همه‌ی عرصه‌های زندگی معنوی (هدر دادن سرمایه‌های وجودی) و مادی (نقص در داشته‌ها و ذخایر) می‌داند.

جلایی نوبری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «بررسی معنایی واژه خسران در قرآن کریم با تکیه بر مضامین سوره عصر» بیان می‌دارند خسران در لغت به معنای کم شدن و زیان کردن و نیز گمراهی و ضلالت است. واژه خَسِرَ با مشتقاتش ۶۵ بار در قرآن به کار رفته و سوره عصر نیز به‌طور ویژه به عوامل خسران و راه‌های نجات

از آن پرداخته است؛ بنابراین خسران به معنای باختن سرمایه اعم از سرمایه‌های مادی یا معنوی است. سرمایه معنوی انسان عمر اوست که با ایمان به خدا، پیامبر، قرآن کریم، ولایت امام علی (ع) و انجام اعمال صالح است که عامل نجات از زیان می‌باشد همان‌گونه که توصیه به حق و صبر سبب فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت می‌گردد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد نوشتار حاضر در بخش‌های زیر رویکرد و نگاه نوآورانه داشته است:

✓ نگاه و زاویه جدید به واژه خسران از دریچه فهم الگوی نظری و مفهومی آن و دسته‌بندی الگوی نظری فوق بر اساس مفاهیم مطرح شده در آیات مربوط به این واژگان

✓ تبیین الگوی نظری و مفهومی واژه خسران جهت فهم بهتر و کامل‌تر این واژه

✓ تبیین اصول تربیت دینی از منظر نگاه و رویکرد تربیتی به مقوله خسران در قرآن.

۴. روش پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به چندوجهی بودن آن، ترکیبی از روش‌های کیفی جمع‌آوری، تحلیل و کدگذاری داده‌ها را به کار گرفته است. در بخش نخست از روش پدیدارشناسی توصیفی برای رجوع به آیات قرآن کریم استفاده شده است. پدیدارشناسی، یک رویکرد پژوهش کیفی است که در پی شناسایی معنای ذاتی و تغییرناپذیر مسئله‌ی تحت بررسی می‌باشد (چان، فانگ و چین^۱: ۲۰۱۳ به نقل از لانگدریج^۲: ۲۰۰۷). مراحل این روش عبارت‌اند از: ۱. طرح سؤال پژوهشی بر اساس الگوی «وجود ذاتی پدیده چیست؟»^۳ ۲. نمونه‌گیری هدفمند ۳. جمع‌آوری داده‌ها ۴. تحلیل داده‌ها (عابدی، ۱۳۸۹). البته این مراحل، سیر خطی ندارند و به‌صورت رفت و برگشتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بر اساس مراحل فوق، ابتدا یک سؤال پژوهشی با این مضمون طرح شد که: ۱. «واژه خسران در قرآن چگونه بکار گرفته

1.Chan, Fung and Chien

2.Langdridge

شده است؟»^۲. نمونه‌گیری هدفمند که تا اشباع نظری مقولات ادامه داشته و در طرح تحقیقی حاضر سبب خوانش کل آیات قرآن در رابطه با کلیدواژه خسران گردید. ۳. در مرحله سوم، جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به متن قرآن انجام گرفت. ۴. در مرحله چهارم، داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار MAXQDAY نسخه ۳-۱۲ PORO مورد تحلیل قرار گرفت.

این شیوه در گذشته به صورت کاملاً سنتی و دستی انجام می‌شد، اما در این پژوهش راهبرد پدیدارشناسی توصیفی در سه بخش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد. در این شیوه ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف اختصاص می‌یابد که به آن، کدهای اولیه گفته می‌شود. آیات استخراج‌شده، همان دسته‌بندی کدهای اولیه است که با هم ارتباط دارند، اما این دسته‌بندی به دو صورت انجام می‌شود. اول: چند کد اولیه در یک دسته قرار می‌گیرند و یک نام جدید می‌گیرند. دوم: چند کد اولیه زیرمجموعه یک کد دیگر قرار می‌گیرند که آن‌ها را در بردارند؛ بنابراین مجموعه مختلفی از کدهای در کنار هم مقوله اصلی یا مقولات فرعی را تشکیل می‌دهند که به این بخش، کدگذاری باز گفته می‌شود. سپس کدگذاری محوری باید صورت گیرد. در واقع، کد محوری نقش سازه را در تحقیقات بازی می‌کند و با توجه به نظر چارمز^۱ (۲۱۱۳) کد محوری عبارت است از مجموعه‌ای از مقولات که با یکدیگر رابطه دارند و زیرمجموعه یک نام جدید یا زیرمجموعه یک مقوله کلی‌تر هستند. در ادامه، نرم‌افزار مذکور با یافتن پیوندهای میان مقولات به رمزگذاری محوری اقدام می‌کند و در نهایت، فرضیه‌ها در قالب همین مقوله‌ها تعیین می‌شوند که به آن، کدگذاری انتخابی می‌گویند. در واقع با رمزگذاری انتخابی، مقوله‌ها پالایش می‌شوند و با طی این فرایندها در نهایت، چارچوب نظری پدیدار می‌شود (کوربین و استراوس^۲، ۱۹۹۰: ۱۲). در مرحله کدگذاری انتخابی، الگوی کاربرد واژه خسران در قرآن در قالب پنج دسته اصلی به دست آمد.

1. Charms

2. Corbin & Strauss

در مرحله آخر، مطالعه تطبیقی کدهای محوری و باز به استخراج اصول تربیتی به روش تحلیل محتوای کیفی به شیوهی استقرایی انجام شد. مراحل این روش و نحوه‌ی استفاده از آن توسط محققین، به شرح زیر می‌باشد.

۱. تعیین واحد تحلیل: واحد تحلیل، شخص یا چیزی است که تحلیل بر اساس آن انجام می‌گیرد. رایج‌ترین واحدی که پژوهشگران در تحلیل محتوای کیفی مورد استفاده قرار می‌دهند، مضمون است (مومنی‌راد، ۱۳۹۲، صص. ۲۰۳-۲۰۴)؛ یعنی معنای خاص برگرفته از یک کلمه، جمله یا بند (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۶). در این پژوهش نیز از مضمون به‌عنوان واحد تحلیل آیات استفاده شد.

۲. ایجاد نظام مقوله‌بندی: مقوله‌های پژوهش حاضر بر اساس نظام استقرایی شکل گرفتند. در نظام استقرایی، ابتدا مقولات مشخص و بر اساس آن، داده‌ها، مرحله‌به‌مرحله از متن استخراج می‌شوند (Mayering, 2014, p. 81).

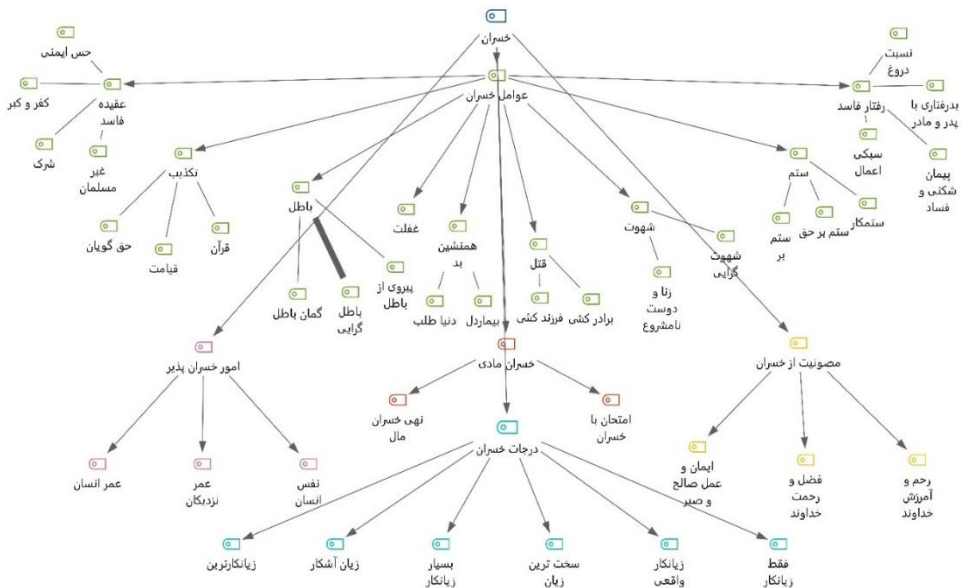
۳. تحلیل و استنباط از متن: در این مرحله، پژوهشگر ادراکات خود از محتوای داده‌ها را با نگاهی عمیق بررسی می‌کند تا دلالت‌های ضمنی آن را استنباط کند (Jensen & Jankowski, 2002, p. 184). طی نمودن سه مرحله فوق یعنی استخراج مضامین، مقوله‌بندی مضامین و ادراک و تحلیل آن‌ها به استخراج اصول تربیتی در مقاله حاضر منتج شد.

۵. یافته‌های آماری و توصیفی تحقیق

در تحقیق حاضر، کدهای باز استخراج‌شده از قرآن در قالب جداول و نمودارهای تصویری با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا، ارائه شده است. این شیوه کدگذاری و نمودارسازی، فهم مطالب و گونه‌ها را برای محققین راحت‌تر می‌نماید. در پژوهش حاضر ابتدا کلیه آیاتی که واژه خسر و مشتقات آن را دارا بود، بررسی شد، بعد از آن آیاتی که دارای مفهوم و عبارات مشابه بودند حذف گردید، سپس الگوی نظری بقیه آیات استخراج شد. منظور از الگوی نظری، دسته‌بندی آیات مرتبط در یک دسته کلی و بررسی ارتباط آن‌ها می‌باشد. پس از آن، جدول الگوی مفهومی آیات در پایان این بخش ارائه گردیده است.

جدول ۱: الگوی نظری واژه خسران بر اساس ماتریکس مکس

Code System	
خسران	
عوامل خسران	
عقیده فاسد	
حس ایمنی	
کفر و کبر	
شرک	
غیر مسلمان	
رفتار فاسد	
بدرفتاری با پدر و مادر	
پیمان شکنی و فساد	
سیکی اعمال	
نسبت دروغ	
تکذیب	
حق گویان	
قیامت	
قرآن	
ستم	
ستمکار	
ستم بر حق	
ستم بر نفس	
باطل	
گمان باطل	
باطل گرایي	
پیروی از باطل	
همنشین بد	
دنیا طلب	
بیماردل	
قتل	
فرزند کشی	
برادر کشی	
شهوت	
زنا و دوست نامشروع	
شهوت گرایي	
غفلت	
درجات خسران	
فقط زیانکار	
زیانکارترین	
زیان آشکار	
بسیار زیانکار	
سخت ترین زیان	
زیانکار واقعی	
امور خسران پذیر	
عمر انسان	
عمر نزدیکان	
نفس انسان	
مصونیت از خسران	
ایمان و عمل صالح و صبر	
فضل و رحمت خداوند	
رحم و آمرزش خداوند	
خسران مادی	
نهی خسران مال	
امتحان با خسران	



نمودار شماره ۲: نمودار مکس مپ داده‌های استخراجی از واژه خسران

جدول ۲: جدول تفصیلی کدهای باز

کد انتخابی	کدمحوری	کد آزاد
۱. عوامل خسران	حس ایمنی	آیا از عذاب و انتقام خدا ایمن اند درحالی که جز گروه زیانکاران خود را از عذاب و انتقام خدا ایمن نمی‌دانند؟! (اعراف/۹۹).
		و آنان کیفر سنگین کفر و کبرشان را چشیدند و سرانجام کارشان خسارت بود (طلاق/۹).
	عقیده فاسد	بی‌تردید به تو و به کسانی که پیش از تو بوده‌اند، وحی شده است که اگر مشرک شوی، همه اعمال تباه و بی‌اثر می‌شود و از زیانکاران خواهی بود (زمر/۶۵).
		و هرکه جز اسلام، دینی طلب کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است (آل عمران/۸۵).
	رفتار فاسد	و (چقدر ناخلف است) فرزندی که پدر و مادر را گفت: اف بر شما باد، آیا به من وعده می‌دهید که

<p>پس از مرگ مرا زنده کرده و از قبر بیرون می‌آرند در صورتی که پیش از من گروه و طوایف بسیاری رفتند و یکی باز نیامد... اینان اند کسانی که [به خاطر انکار وعده‌های حق] فرمان عذاب درباره آنان در زمره گروه‌هایی از جن و انس که پیش از آنان درگذشتند، محقق و ثابت شده است؛ زیرا آنان زیانکار بودند (احقاف/ ۱۷ و ۱۸).</p>			
<p>آنان کسانی هستند که پیمان خدا را پس از استواری‌اش می‌شکنند و آنچه را خدا پیوند خوردن به آن را فرمان داده است قطع می‌نمایند و در زمین تباهی و فساد بر پا می‌کنند، آن‌اند که زیانکارند (بقره/ ۲۷).</p>	<p>پیمان شکنی و فساد</p>		
<p>و کسانی که اعمال وزن شده آنان سبک [و بی‌ارزش] است، همانان‌اند که سرمایه وجودشان را از دست داده (مؤمنون/ ۱۰۳).</p>	<p>سبکی اعمال</p>		
<p>به راستی آنان [سرمایه] وجودشان را تباه کردند و آنچه را به دروغ [به‌عنوان شریک خدا به خدا] نسبت می‌دادند [از دستشان رفت و] گم شد (اعراف/ ۵۳).</p>	<p>نسبت دروغ</p>		
<p>آنان که شعیب را تکذیب کردند، همان زیانکاران بودند (اعراف/ ۹۲).</p>	<p>حق‌گویان</p>		
<p>کسانی که دیدار [پاداش و مقام قرب] خدا را تکذیب کردند، یقیناً دچار زیان شدند (انعام/ ۳۱).</p>	<p>قیامت</p>	<p>تکذیب</p>	
<p>و هرگز از کسانی مباش که آیات ما را تکذیب کردند که از زیانکاران خواهی شد (یونس/ ۹۵).</p>	<p>قرآن</p>		
<p>و ما از قرآن آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است، نازل می‌کنیم و ستمکاران را جز خسارت نمی‌افزاید (اسرا/ ۸۲).</p>	<p>ستمکار</p>	<p>ستم</p>	
<p>و کسانی که اعمال وزن شده آنان سبک و بی‌ارزش باشد، به سبب اینکه همواره به آیات ما ستم می‌ورزیدند، به خود زیان زده‌اند (اعراف/ ۹).</p>	<p>ستم بر حق</p>		

<p>گفتند: پروردگارا! ما بر خود ستم ورزیدیم و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی مسلماً از زیانکاران خواهیم بود (اعراف/۲۳).</p>	<p>ستم بر نفس</p>		
<p>و این گمانتان بود که به پروردگارتان بردید [و همان] شما را هلاک کرد، در نتیجه از زیانکاران شدید (فصلت/۲۳).</p>	<p>گمان باطل</p>		
<p>آنان که به باطل [چون بت و طاغوت] گرویده و به خدا کفر ورزیده‌اند همان زیانکاران [واقعی] اند (عنکبوت/۵۲). آن روز است که اهل باطل زیان خواهند دید (جاثیه/۲۷).</p>	<p>باطل گرایی</p>	<p>باطل</p>	
<p>ای اهل ایمان! اگر از کافران فرمان برید، شما را به [عقاید و روش‌های کافران] گذشتگانتان بازمی‌گردانند، در نتیجه زیانکار خواهید شد (آل عمران/۱۴۹).</p>	<p>پیروی از باطل</p>		
<p>[به خاطر کفر و طغیانشان] برای آنان هم‌نشینی [مفسد و تبهکار] گماشتیم که لذا اید مادی و شهوانی حال و آینده را در نظرشان زیبا و دلربا جلوه دادند و فرمان عذاب بر آنان در [زمره] گروه‌هایی از جن و انس که پیش از آنان گذشتند، محقق و ثابت شد، آنان بی‌تردید زیانکارند (فصلت/۲۵).</p>	<p>دنیاطلب</p>		
<p>و کسانی که ایمان آورده‌اند [به مؤمنان دیگر] می‌گویند: آیا این بیمار دلان آنان‌اند که به سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا سوگند می‌خورند که با شما مؤمنان‌اند؟! [ولی روشن شد که دروغ می‌گفتند. آنان یهود و نصاری را به سرپرستی و دوستی گرفتند و به این سبب] اعمالشان تباه و بی‌اثر شد، در نتیجه زیانکار شدند (مائده/۵۳).</p>	<p>بیمار دل</p>	<p>هم‌نشین بد</p>	

	قتل	فرزندکشی	قطعاً کسانی که فرزندان خود را از روی سبک‌مغزی و جهالت کشته‌اند و آنچه را خدا روزی آنان کرده بود بر پایه دروغ بستن به خدا حرام شمرده‌اند، زیان کردند؛ به‌راستی که گمراه شدند و هدایت یافته نبودند (انعام/۱۴۰).
		برادرکشی	نفس [طغیان‌گرش]، کشتن برادرش را در نظرش سهل و آسان جلوه داد، پس او را کشت و از زیانکاران شد (مائده/۳۰).
	شبهوت	زنا و دوست نامشروع	درحالی که مایل باشید پاک‌دامن بمانید نه زناکار و نه انتخاب‌کننده معشوقه نامشروع در خلوت و پنهان؛ و هر کس در ایمان کفر ورزد، قطعاً عملش تباه شده و فقط او در آخرت از زیانکاران است (مائده/۵).
		شبهوت‌گرایی	شما نیز از سهمتان همان‌گونه که آنان از سهمشان بهره گرفتند بهره‌گرفتید و به‌صورتی که [آنان در شهواتشان] فرورفتند فرورفتید؛ اینان‌اند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه و بی‌اثر است و در حقیقت اینان‌اند که زیانکارند (توبه/۶۹).
	غفلت	آنان که [به خاطر مال و فرزند از یاد خدا] غافل می‌شوند، زیانکارند (منافقون/۹) اموال و فرزندانشان جز خسارت و زبانی بر آنان نیفزود (نوح/۲۱)	
۲. درجات خسران	فقط زیانکار	هر که را خدا هدایت کند، پس او راه‌یافته واقعی است و کسانی را که [به سبب عناد و لجاجتشان] گمراه نماید، پس فقط اینان زیانکارانید (اعراف/۱۷۸). کسانی که به آن کفر می‌ورزند فقط آنان زیانکارند (بقره/۱۲۱).	
	زیانکارترین	بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم از جهت عمل آگاه کنم؟ [آنان] کسانی هستند که کوششان در زندگی دنیا به هدر رفته [و گم شده است] درحالی که خود می‌پندارند، خوب عمل می‌کنند. آنان کسانی هستند که آیات پروردگارشان و دیدار [قیامت و محاسبه اعمال] را به‌وسیله او منکر شدند، در نتیجه اعمالشان تباه و بی‌اثر شده است،	

<p>پس روز قیامت میزانی برای [محاسبه اعمال] آنان برپا نمی‌کینم (کهف/۱۰۳-۱۰۵).</p> <p>همانا آنان که ایمان به عالم آخرت نمی‌آورند (پس از اتمام حجت) ما اعمالشان را در نظرشان جلوه دهیم و آن‌ها به کلی گمراه و سرگشته شوند. اینان کسانی هستند که عذاب سختی برای آنان است و بی‌تردید آنان در آخرت زیانکارترین [مردم] اند (نمل/۴ و ۵) آنان که مردم را از راه خدا باز می‌دارند و می‌خواهند آن را [با وسوسه و اغواگری] کج نشان دهند و به آخرت کافرنند. اینان کسانی هستند که سرمایه وجودشان را تباه کردند و آنچه را همواره به‌دروغ [به‌عنوان شریکان خدا به خدا] نسبت می‌دادند [گم‌شده] از دستشان می‌رود. ثابت و یقینی است که اینان‌اند که در آخرت از همه زیانکارترند (هود/۱۹ و ۲۲).</p>		
<p>دنیا و آخرت را از دست داده‌اند و این است همان زیان آشکار (حج/۱۱).</p> <p>پس شما هم آنچه را می‌خواهید، به‌جای او بپرستید. بگو: بی‌تردید زیانکاران [واقعی] کسانی هستند که روز قیامت سرمایه وجودشان و کسانشان را به تباهی داده باشند؛ آگاه باشید! که آن همان زیان آشکار است (زمر/۱۵).</p> <p>و هر کس شیطان را به‌جای خدا سرپرست و یار خود گیرد، مسلماً به زیان آشکاری دچار شده است (نسا/۱۱۹).</p>	<p>زیان آشکار</p>	
<p>این غضب و عذاب بر آن‌ها بدین سبب است که حیات (فانی) دنیا را بر (حیات ابدی) آخرت برگزیدند و این که خدا هرگز کافران را هدایت نخواهد کرد. همین‌ها هستند که خدا بر دل‌ها و گوش و چشم‌هایشان مهر (قهر) زده است و این‌ها همان مردم‌اند که (از خدا و قیامت) غافل‌اند. بی‌گمان آنان در عالم آخرت بسیار زیانکارند (نحل/۱۰۷-۱۰۹)</p>	<p>بسیار زیانکار</p>	
<p>و قوم در مقام کید و کینه او برآمدند و ما (کیدشان را باطل کرده) آن‌ها را به سخت‌ترین زیان و حسرت انداختیم (انبیا/۷۰)</p>	<p>سخت‌ترین زیان</p>	
<p>شیطان بر آنان چیره و مسلط شده و یاد خدا را از خاطرشان برده است، آنان حزب شیطان‌اند، آگاه باش که حزب شیطان یقیناً همان زیان‌کاران‌اند! (مجادله/۱۹)</p>	<p>زیانکار واقعی</p>	

تا خدا ناپاکان را از پاکان جدا کند،... و یکجا در جهنم قرار دهد؛ [به راستی] آنان اند که زیانکار واقعی اند (انفاقت/۳۷)		
فقط کسانی که سرمایه وجودشان را تباه کردند، ایمان نمی آورند (انعام/۲۰).	عمر انسان	۳. امور خسران پذیر
اهل ایمان می گویند: یقیناً زیانکاران کسانی هستند که روز قیامت سرمایه وجود خود و کسانشان را تباه کرده اند (شوری/۴۵).	عمر نزدیکان	
به خود زیان زده [و سرمایه وجودشان را تباه کرده اند] (اعراف/۹).	نفس انسان	
[که] بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده اند (عصر/۲ و ۳).	ایمان و عمل صالح و صبر	۴. مصونیت از خسران
آنگاه بعد از [ایمان گرفتن، از وفادار شدن به آن] سربلندی کردید و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، قطعاً از زیانکاران بودید (بقره/۶۴).	فضل و رحمت خداوند	
اگر پروردگاران به ما رحم نکنند و ما را نیامرزد، یقیناً از زیانکاران خواهیم بود (اعراف/۱۴۹).	رحم و آمرزش خداوند	
پیمانه را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید (شعرا/۱۸۱). وای به حال کم فروشان؛ و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم دهند (مطففین/۱۳). و ترازو را به عدالت برپا دارید و از ترازو مکاهید (الرحمن/۹).	نهی خسران مال	۵. خسران مادی
و بی تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و کسان و محصولات آزمایش می کنیم؛ و صبرکنندگان را بشارت ده (بقره/۱۵۵).	امتحان با خسران	

۶. اصول تربیت دینی منبعث از واژه خسران

دین برای تربیت انسان آمده است و نگاه به محتوای دینی برای استنباط اصول تربیتی می تواند گامی در همین راستا باشد. به صورت جزئی تر این امر می تواند از طریق تحلیل کلیدواژه های قرآنی جهت استنباط اصول تربیتی برای تربیت ابعاد مختلف انسان صورت گیرد. لذا چنین تحلیلی اساساً هدف و مقصود دینی و تربیتی دارد. سودمندی این امر در اتقان تکیه گاه نظری است که برای تربیت فراهم می نماید

و معلم می‌تواند در عمل از راهکارهایی در کار خود بهره‌مند گردد که اعتبار مبنایی آن بر اساس الگوی وحیانی پایه‌ریزی شده است. بر همین اساس و پس از فهم الگوی نظری و مفهومی واژه خسران و بررسی دسته‌بندی آیات مرتبط با این واژه و مفاهیمی که در این آیات به کار برده شده است، اصول تربیتی که در ادامه می‌آید قابل‌ارائه است.

۱-۶. لزوم آگاهی بخشی عاقبت‌گرا در خسران

در آیه ۱۰۳ سوره کهف آمده است: «بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم از جهت عمل آگاه کنم؟» این عبارت که به صورت مستقیم به عنصر آگاهی در زمینه خسران اشاره دارد در کنار دیگر آیات قرآن در بحث خسران که به ابعاد این موضوع می‌پردازد، نشان از اهمیت بحث آگاهی دارد. عنصر آگاهی به عنوان عامل پیشگیرانه و عامل نجات‌بخش در تربیت و به‌ویژه تربیت دینی که با ابعاد آخرتی و ناپیدا در زندگی مادی مرتبط است، بسیار حائز اهمیت است. در بحث خسران، این ابعاد در شاخه‌های علل خسران، ابعاد خسران‌پذیر، راه‌های نجات از خسران و توجه به خسران‌های مادی و معنوی مورد توجه است؛ اما مخاطب تربیت دینی اگر به این آگاهی مجهز نباشد، یقیناً دچار خسران و ضرر خواهد شد. توضیح آنکه متربی تربیتی اگر نداند هر لحظه عمر و وجود او و نزدیکانش می‌تواند بر اثر عقیده فاسد و یا رفتار فاسد دچار خسران شود و خسران اصلی و ابدی به سبب انتخاب مسیر اشتباه، در آخرت نصیب او خواهد شد، عمل و انتخاب او آگاهانه نخواهد بود و منفعت آنی را با زیان آنی معاوضه خواهد کرد. البته جنس این آگاهی که قرآن به آن دعوت می‌نماید، از جنس بستر و زمینه برای تعقل و تفکر و در نهایت انتخاب و عمل است. توضیح بیشتر آنکه رسالت مربی ابتدا مجهز نمودن خود به آگاهی درست است و بعد از آن رسالت تربیتی او ایجاب می‌نماید که این آگاهی را به‌درستی به دیگران انتقال دهد. در بستر اصول اولیه تربیت نیز یکی از مهم‌ترین وظایف یک مربی، عنصر آگاهی بخشی به متربی است (پرواز و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱).

در همین رابطه علامه طباطبائی می‌فرماید: «شما اگر کتاب الهی را تفحص کامل نموده و در آیاتش دقت فرمایید، خواهید دید شاید بیش از سیصد آیه هست که مردم

را به تفکر و تذکر و تعقل دعوت نموده و یا به پیامبر (ص) استدلالی را برای اثبات حقی و یا از بین بردن باطلی می آموزد... خداوند در قرآن خود و حتی در يك آیه نیز بندگان خود را امر نفرموده که نفهمیده به قرآن و یا به هر چیزی که از جانب او است، ایمان آورند و یا راهی را کورکورانه بپیمایند، حتی قوانین و احکامی که برای بندگان خود وضع کرده و عقل بشری به تفصیل ملاک‌های آن‌ها را درک نمی‌کند، به خبرهایی که در مجرای احتیاجات قرار دارد، علت آورده» (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۴۱۵) همچنین شهید مطهری در رابطه با آگاهی بخشی قرآنی و لزوم تفکر در رابطه با این آگاهی بیان می‌دارد: «بندگان خدا پس از استماع سخن چه می‌کنند؟ آیا هر چه را شنیدند، باور می‌کنند و همان را به کار می‌بندند، یا همه را یکجا رد می‌کنند؟ نه هیچ کدام؛ سخن را نقادی می‌کنند، سبک‌سنگین می‌کنند، ارزیابی می‌نمایند، آن را که بهتر است، انتخاب می‌کنند و به آن عمل می‌نمایند. این‌ها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده (پس هدایت الهی یعنی استفاده از عقل)» (مطهری، ۱۳۷۱: ۳۷). در آخر آیه می‌فرماید: به راستی اینان صاحبان عقلی ژرفاندیش هستند، مغز و اساس مطالب را پس از نقادی به دست می‌آورند، اما برای عمل، نه فقط برای آگاهی و اطلاع (همان، ص ۳۸).

۲-۶. لزوم مواجهه با خسران

گاه آگاهی به سبب عدم همراهی با تعقل و تفکر و یا به سبب منفعت‌طلبی و دنیاگرایی انسان، با انتخاب درست همراه نمی‌شود و فرد، عقیده و یا رفتار باطل خود را ادامه می‌دهد. اینجاست که جریان تربیت دینی باید متربی را به سمت مواجهه با انتخاب خود سوق دهد و به بهانه پرهیز از خسران، نتایج عمل انتخابی را از مسیر تربیتی حذف ننماید. البته باید توجه داشت با نگاه به جمع‌بندی آیات در باب خسران، مسیر مواجهه با خسران و ضرر از شاهراه رحمت اولیه عبور می‌نماید. در قرآن آمده است: «و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، قطعاً از زیانکاران بودید» (بقره/۶۴). به عبارتی در برخی موارد و مراحل اولیه، خداوند از دریچه رحمت و فضل خود با خاسران برخورد می‌کند و ضرری که به سبب انتخاب خود نصیبشان شده، متوجه آنان نمی‌نماید؛ اما گاه بعد از انتخابی آگاهانه و هشدار و تذکرات پی‌درپی، لازم است متربی با درجات خسران مواجه شود تا طعم تلخ زیان و کاهش را چشیده و این

خسران در مرحله بعد از آگاهی به عنوان عامل بازدارنده برای ادامه مسیر اشتباه، عمل نماید. خداوند می‌فرماید: «و قوم در مقام کید و کینه او برآمدند و ما (کیدشان را باطل کرده) آن‌ها را به سخت‌ترین زیان و حسرت انداختیم (انبیا/۷۰)».

این اصل در قالبی دیگر با عنوان اصل مسئولیت و یا اصل مواجهه با نتایج اعمال در متون تربیتی آورده شده است. در این روش مربی پیامدهای عمل فرد را نشان می‌دهد. مواجهه فرد با نتایج اعمالش در دو رتبه است: یکی در رتبه «دریافتن» و دیگری در رتبه «دیدن» در رتبه‌ی نخست مربی فرد را نسبت به پیامدها آگاه می‌کند و در رتبه‌ی دیگر او واگذاشته می‌شود تا با نتایج اعمال روبرو شود. در اصل مواجهه با خسران، مربی پیامدهای عمل فرد را به او نشان می‌دهد. از آنجایی که آدمی دارای حُبِّ ذات است وقتی ببیند عملی به سود یا زیان اوست، انگیزه درونی نسبت به ترک یا انجام عمل را دریافت می‌کند. مواجهه فرد با نتایج اعمالش در دو رتبه است: یکی در رتبه «دریافتن» و دیگری در رتبه «دیدن». در رتبه‌ی نخست مربی فرد را نسبت به پیامدها آگاه می‌کند و در رتبه‌ی دیگر او واگذاشته می‌شود تا با نتایج اعمال روبرو شود (دیدگاه و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۹). این روش با هر دو رتبه‌اش در آیات مربوط به خسران مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. بخشی از آیات، آدمی را بیش از هر چیز به واسطه‌ی بازتاب اعمال بیدار می‌کند و در بخشی دیگر آدمی را به‌طور شهودی با عواقب عمل روبرو می‌نماید. خداوند در مورد تربیت، این شیوه را به کار برده است تا انسان بفهمد که در نتیجه‌ی عمل نادرست چه سرنوشتی در انتظار اوست.

۳-۶. لزوم مرتبه بندی در مواجهه با خسران

خسران در همه ابعاد خود دارای مرتبه و درجه است. در بخشی از آیات مربوط به خسران که در جدول تفصیلی آمده، به خسران مربوط به عقاید نادرست مانند کفر و شرک و حس ایمنی و غفلت اشاره شده است. در بخشی دیگر به خسران حاصل از رفتاری‌های فاسد مانند ستم و پیمان‌شکنی و نسبت دروغ اشاره شده است. در بخشی دیگر با کاربرد صفات مرتبط با خسران، از درجات آن و تفاوت آن‌ها سخن به میان آورده. تعابیر زیان آشکار، زیانکارترین و یا سخت‌ترین زیان، مؤید همین موضوع است. در نهایت از خسرانی صحبت می‌کند که تمامی اعمال و گذشته آدمی را تباہ

و نابود می‌کند و این همان کفر است. همچنین در دسته‌بندی‌های دیگر از خسران ظاهری و مادی مانند عمر و مال و از خسران پنهان و معنوی مانند از بین رفتن اعمال و خسران در قیامت سخن به میان می‌آورد. در درجه‌بندی دیگر سخن از خسران خود و در مرتبه بالاتر خسران نزدیکان به سبب اعمال شخص، سخن به میان می‌آید؛ اما این مرتبه بندی در خسران و ابعاد آنچه نکاتی را برای تربیت دینی می‌تواند داشته باشد؟ پاسخ به این پرسش، لزوم اصل اول آگاهی بخشی در این اصل را، پررنگ‌تر می‌کند؛ به این معنا که گاه افراد، خسران برای خود را می‌پذیرند اما خسران به نزدیکان را برنمی‌تابند. یا خسران عمر را اهمیت نمی‌دهند اما از خسران عذاب و عقاب هراس دارند. لذا آگاهی بخشی جریان تربیت دینی نسبت به ابعاد و زوایا و درجات خسران، نکته ابتدایی است که از اصل فوق، حاصل می‌شود.

نکته دوم در درجه‌بندی نتیجه‌های خسران نسبت به عمل و عقیده فرد است. خسران به معنای کاهش و کاستن سرمایه که در مقدمه بحث اشاره شد، می‌تواند با تکنیک محرومیت که از جمله تکنیک‌های تربیتی است (سگری و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۴) با درجات متفاوت اعمال شود. در پایین‌ترین سطح، خسران و کاستی مالی و مادی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در مرتبه‌های بعد خسران ابعاد عاطفی و محبتی مری و یا خسران در رابطه با امور معنوی و شناختی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. هرم نیازهای مزلو و سیر از ابعاد انگیزش بیرونی به انگیزش درونی (دهقانی و جوکار، ۱۴۰۲: ۱۵۵) در نوع محرومیت و خسران می‌تواند در این زمینه راهنمای عمل مری باشد. به عبارتی در سیر هرم نیازها، ابتدا محرومیت از نیازهای زیستی و امنیت عاطفی و اجتماعی صورت پذیرد و در مراحل بعد فرد با محرومیت‌های مربوط به احترام و خودشکوفایی مواجه می‌شود و این بسته به نوع عمل و عقیده فرد متفاوت می‌باشد. همین سیر، نوع انگیزش‌های متری را از حالت ظاهری و مادی به سمت انگیزش‌های باطنی و معنوی سوق می‌دهد. از باب نمونه سیر تربیت دینی در مواجه نمودن متری با نوع خسران، از محرومیت‌های مادی و لذت‌بخش مانند پاداش، به سمت محرومیت‌های درونی و لذت‌های معنوی مانند رشد و خودشکوفایی سوق دهد و متری را به مرتبه‌ای برساند که عمیقاً برای عمری

که از دست می‌رود و خشنودی و رضایت خداوند که از آن محروم می‌شود، نگران شود و تأسف بخورد و در ادامه مسیر به درستی عمل کند.

۴-۶. لزوم توجه به خیال باطل در خسران

خیال باطل در خسران، خسران را تشدید می‌کند و راه بازگشت را بر خاسر می‌بندد. خیال باطل در خسران این است که فرد خود را خاسر نبیند و یا متوجه عمق و ابعاد خسروانی که متوجه او شده است، نشود. حس ایمنی از خسران و پندار غلط از مواجهه با خسران، دو آسیبی است که متربی با آن روبرو می‌شود و مصداق مصرع «آن کس که نداند و نداند که نداند» قرار می‌گیرد؛ همان‌گونه که در آیات قرآن اشاره شده است: «آیا از عذاب و انتقام خدا ایمن اند درحالی که جز گروه زیانکاران خود را از عذاب و انتقام خدا ایمن نمی‌دانند؟! (اعراف/۹۹)» و «بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم از جهت عمل آگاه کنم؟ [آنان] کسانی هستند که کوششان در زندگی دنیا به هدر رفته [و گم شده است] درحالی که خود می‌پندارند، خوب عمل می‌کنند (کهف/۱۰۳)». حل تعارض تربیتی در این اصل، با سه اصل پیشینی که ذکر شد، قابل جمع و تعدیل است. به عبارتی جریان تربیت دینی در ابتدای امر از موارد و ابعاد خسران سخن به میان می‌آورد. اگر متربی در این مرحله از قوای عقل و اندیشه خود بهره نبرد و همچنان در نوعی از حس ایمنی، به سر برد، با خسران متناسب با عمل خود مواجه می‌شود و در مرتبه بعد این خسران بسته به تکرارپذیری عمل تشدید شده و به مراتب بالاتر خسران سرایت می‌نماید. امام علی (علیه‌السلام) در رابطه با این آیات می‌فرمایند: بر بهترین فرد این امت از عذاب خدا ایمن مباش؛ زیرا خدای بزرگ می‌فرماید: «از مکر خدا جز زیانکاران خود را ایمن نپندارند» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۵۲). به عبارتی، این ایمنی بخشی و خیال باطل حتی نباید برای بهترین افراد نیز پیش بیاید، چراکه سرآغاز خسران آن‌ها همین خیال باطل است. مضمون فوق در بحث خسران در قالب اصل جهل مرکب و جهالت شناسی قابل واکاوی بوده و می‌توان از این دریچه، ارتباط جهل را با اخلاق مورد بررسی قرار داد. گرچه در نقطه آغاز جاهل قاصر و مقصر مورد تفکیک می‌باشد اما در نقطه پایان، نتیجه جهالت

همان است که سبب می‌شود فرد اقدامی برای اصلاح خود ننموده و در خیال و پندار طریق درست، دچار خسران و پشیمانی گردد (صادقی، ۱۴۰۰: ۱۲۳).

۵-۶. لزوم توجه به عنصر پیروی و اثرگذاری در خسران

خسران قائم به فرد نیست بدین معنا که خسران می‌تواند به سبب همراهی و پیروی از رویه و افراد باطل برای فرد حاصل شود و از جهت دیگر، خسران فرد بر دیگران نیز سرایت می‌یابد و به نزدیکان آدمی آسیب می‌زند. توضیح آنکه دایره خسران وسیع‌تر از نگاه فردی بوده و بایستی از دید جمعی و اجتماعی نیز بدان توجه نمود. مصداق این مفهوم در تعبیر مثالی «تر و خشک با هم می‌سوزند» قابل فهم است. خداوند در آیات مختلف این نگاه را گوشزد نموده و بدان اشاره دارد: «اهل ایمان می‌گویند: یقیناً زیانکاران کسانی هستند که روز قیامت سرمایه وجود خود و کسانشان را تباه کرده‌اند (شوری/۴۵)» و «ای اهل ایمان! اگر از کافران فرمان برید، شما را به [عقاید و روش‌های کافران] گذشتگانتان باز می‌گردانند، در نتیجه زیانکار خواهید شد (آل عمران/۱۴۹)» و «آنان حزب شیطان‌اند، آگاه باش که حزب شیطان یقیناً همان زیانکاران‌اند! (مجادله/۱۹)». نتیجه آنکه در تربیت صحیح دینی نه تنها باید از عقاید و اعمالی که خسران به بار می‌آورند پرهیز نمود، بلکه از گروه‌ها و حزب‌هایی که رویه آن‌ها به خسران دنیوی و اخروی ختم می‌شود نیز باید پرهیز نمود و فاصله گرفت. این اصل معیوب در قالب پیروی از اکثریت می‌تواند سبب خسران انسان شود. «انسان همان‌طور که گوسفند صفت از گذشتگان پیروی می‌کند، در مقابل جمع و عدد که قرار می‌گیرد می‌خواهد هم‌رنگ جماعت شود. می‌گویند: «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو». وقتی جماعت رسوا باشد هم‌رنگ جماعت شدن رسوا شدن است. ولی در انسان تمایل به اینکه هم‌رنگ جمع شود زیاد است (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۸۵).

نگاه جمعی به موضوع خسران از دریچه تأثیر جو حاکم بر عقاید، افکار، روحیات و رفتار و انتخاب‌های افراد قابل تأمل می‌باشد. به عبارتی حضور، پیروی و یا گرایش نسبت گروه یا قشر خاصی سبب می‌شود علاوه بر اینکه در نحوه عملکرد فرد تغییر ایجاد نماید بلکه در نحوه نتایجی که فرد با آن مواجه می‌شود، نتیجه‌بخش باشد. لذا خسران جمعی در پیروی جمعی اتفاق می‌افتد. در همین راستا تربیت دینی باید

افراد را به تأثیر و تأثر متقابل بر نتایجی که برایشان عاید می‌شود و یا عاید دیگران می‌نمایند آگاه نموده و از مکانیزم‌های درون دینی بازدارنده در راستای حذف پیوندهای میان حلقه‌های آسیب‌زا در جامعه مانند استفاده از مکانیزم‌های امر به معروف و نهی از منکر و اجرای احکام و حدود الهی برای تخلفات اجتماعی بهره برد. یقیناً در تربیت سازنده دینی بستر جامعه به‌عنوان کشتی حرکت، نبایستی دچار رخنه و آسیب شود و قوای تربیتی و قانونی باید برای دستیابی به این مهم، در کنار یکدیگر به‌درستی عمل نمایند.

۶-۶. لزوم نگاه دووجهی به خسران

نگاه به موضوع خسران از دریچه تربیت و به‌ویژه به‌منظور توجه به بایسته‌های تربیت دینی باید به شکلی درست ترسیم شود تا بتواند تربیت مطلوب را رقم بزند. این نگاه در صورتی به‌درستی شکل می‌گیرد که منظرگاه دووجهی خسران به‌خوبی ترسیم شود. از یک‌طرف کاستن و ضرر رساندن به سرمایه‌های معنوی و جبران‌ناپذیر مانند عمر و زندگی آخرت، برای متری امری نامطلوب و مذموم بوده و تلاش و همت خود را بر پایه حرکت به سمت پرهیز از این‌گونه خسران‌ها بنا نهد و از طرف دیگر خسران‌های مادی و دنیایی را با نگاه حکیمانه نگریده و بداند خسران مادی جزئی از سیر ماده و مادیات بوده و اساساً ماده شایسته دل بستن نیست چه رسد به آنکه خسران در آن بایسته غم خوردن باشد. این نگاه حتی می‌تواند همان‌گونه که آیات مربوط به خسران مادی ترسیم می‌کند از دریچه مثبت و ارزشمند نگریده شده و خسران مادی به‌عنوان عاملی برای امتحان و رشد انسان تلقی شود؛ چراکه از گذر اعطا و حرمان الهی است که آدمی ظرف وجودی‌اش گسترش می‌یابد و همین‌گونه است که در انتهای آیه بیان شده پس بشارت باد بر صبرپیشگان.

تربیت سازنده دینی در نگاه درست به خسران، ابعاد این موضوع را بایستی به‌خوبی برای مخاطب تربیت تبیین نماید که در خسران معنوی جای حسرت و پیشگیری و عبرت است و در خسران مادی جای امتحان و صبوری و حکمت. این جهت‌گیری صحیح فکری به‌خوبی در باب روایی توضیح داده شده است که چگونه می‌توان در نگاهی درست و عملکردی مطلوب، از خسران پرهیز نمود و گرفتار آن

نشد. آنجا که می‌فرمایند: آنکه همت خود را آخرت قرار دهد، دنیا را نیز به دست آورد و آنکه همیت خود را رضای خداوند قرار دهد رضایت مردم را نیز به دست آورد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۵۳). به عبارتی، اگر جهت تربیت درست باشد و نگاه تربیتی به‌خوبی شکل بگیرد، آدمی دچار خسران و مغبونی نمی‌گردد. این الگوی دووجهی در قالب اصل مدیریت خسران در قالب کاربرد راهکارهای قرآنی مانند ایمان، عمل صالح، تواصی به حق، تواصی به صبر، اندیشه و تعقل قابل جمع‌بندی و مدیریت می‌باشد (صفری و شایان، ۱۳۹۸: ۶۲).

۷. نتیجه‌گیری

پاسخ به پرسش اول تحقیق یعنی «الگوی نظری و مفهومی واژه خسران در قرآن چیست؟» مبین آن است که الگوی نظری این واژه در قالب پنج دسته عوامل خسران، مصونیت از خسران، امور خسران‌پذیر، درجات خسران و خسران‌های مادی قابل تقسیم است. عوامل خسران خود به عقاید فاسد، رفتار فاسد، تکذیب، ستم، باطل، هم‌نشین بد، قتل، شهوت و غفلت تقسیم می‌شود. درجات خسران به فقط زیانکار، زیانکارترین، زیان آشکار، بسیار زیانکار، سخت‌ترین زیان، زیانکار واقعی تقسیم می‌شود. امور خسران‌پذیر به عمر انسان، عمر نزدیکان و نفس انسان تقسیم می‌شود. مصونیت از خسران به ایمان و عمل صالح و صبر و فضل و رحمت و غفران خداوند حاصل می‌شود و در نهایت خسران مادی به نهبی از خسران مال خود و دیگران و امتحان شدن به‌وسیله مال خسران شده تقسیم می‌شود.

پاسخ به پرسش دوم تحقیق یعنی «بر اساس الگوی نظری و مفهومی خسران در قرآن، اصول تربیتی برای تربیت دینی چه می‌باشد؟» مبین شش اصل تربیتی است که شامل موارد زیر می‌باشد: لزوم آگاهی بخشی عاقبت‌گرا در خسران، لزوم مواجهه با خسران، لزوم مرتبه‌بندی در مواجهه با خسران، لزوم توجه به خیال باطل در خسران، لزوم توجه به عنصر پیروی و اثرگذاری در خسران، لزوم نگاه دووجهی به خسران.

تبیین الگوهای نظری و مفهومی کلیدواژه‌های قرآنی می‌تواند در راستای فهم مسائل تربیتی در بعد کلان و ارائه راهکارهای کاربردی برای تربیت دینی در بعد

خرد، راهگشا باشد. آنچه در این بین اهمیت ویژه دارد این موضوع است که اصول تربیت دینی در فرایندی معتبر مورد استخراج و سنجش قرار گیرد. به عبارتی اگر قرار است برای فرایندهای تربیتی، مبانی خاصی وجود داشته باشد یقیناً این امر بایستی بر اساس معیارهایی صورت گیرد که جنبه همه‌جانبه‌نگری در آن با توجه به ویژگی‌های انسان و خلقت او قابل‌تعریف باشد. حتی، در کاربرد الگوهای روزآمد علمی و کاربرد نظریات رقیب، محک مبانی قرآنی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای صحت‌سنجی این مطالب و فیلتری مناسب برای کاربرد نظریات علمی مورد استفاده قرار گیرد. واژه خسران به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌گان پرتکرار که با خلقت انسان و دوران تربیت و تکامل او گره خورده است، از جمله الگوهایی است که نه‌تنها فهم ابعاد آن برای معلمان مفید و سودمند بلکه استخراج این ابعاد در قالب الگوی مفهومی و نظری می‌تواند برای اصول تربیت دینی دارای راهکارهای عینی و عملیاتی باشد. تلاشی که محققان پژوهش حاضر سعی نمودند در خور وسع خود به بخشی از آن پردازند. بر همین اساس و به‌منظور غنی‌بخشی به تحقیق حاضر، پیشنهاد می‌شود در ادامه تحقیقات نظری به این سبک، دیگر کلیدواژه‌های مرتبط با مفهوم خسران مورد بررسی قرار گرفته و با تبیین الگوی نظری و مفهومی کامل‌تر، اصول تربیتی آن استخراج گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود دیگر کلیدواژه‌های قرآنی بر اساس این الگو مورد تبیین و بررسی قرار گیرند.

منابع

۱. اخلاقی، اسماعیل، (۱۳۸۸)، تربیت دینی در عصر مدرن، نگاه حوزه، شماره ۲۵۸، ۸۹-۱۰۳.
۲. انصاری مقدم، ابوالفضل (۱۴۰۳)، تحلیل تفسیری راهکارهای جلوگیری از خسران در سوره مبارکه عصر، مطالعات کاربردی در جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، ۲۸: ۶۹-۷۶.
۳. پرواز، بهاره و همکاران (۱۳۹۹)، تأثیر آگاهی بخشی و روشنگری فکری معلم در هدایتگری اجتماعی از دیدگاه اسلام، سومین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، تهران.
۴. جلایی نوبری، حسین (۱۳۹۸)، بررسی معنایی واژه خسران در قرآن کریم با تکیه بر مضامین سوره عصر، مطالعات قرآنی، ۳۹: ۱۴۵-۱۶۰.
۵. حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۹۸)، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۶. دهقانی، لیلا و جوکار، نجف (۱۴۰۲)، تربیت متعالی در دیدگاه امام محمد غزالی و آبراهام مازلو، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۱(۵۸): ۱۵۵-۱۸۴.
۷. دیدگاه، زهرا، شریعتی، سید صدرالدین، بهشتی، سعید و ایمانی نایینی، محسن. (۱۳۹۷). تبیین نقش مسئولیت‌پذیری در تربیت اجتماعی نوجوانان بر اساس تفسیر میزان. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی (فرهنگ مشاوره)، ۹(۳۴): ۲۷-۵۶.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ هـ.ق)، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالشامیه.
۹. سگری، زهرا، نوروزی، رضا علی و محمدی چابکی، رضا. (۱۳۹۵). مفهوم شناسی محرومیت در قرآن کریم و نقش آن در رشد و تربیت انسان. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۴(۳۳): ۹-۳۰.
۱۰. صادقی، مسعود (۱۴۰۰)، اخلاق جهل در پرتو جهالت شناسی، ۲(۳): ۱۲۳-۱۴۴.
۱۱. صفری، علی و شایان، محمدهاشم (۱۳۹۸)، تحلیل مدیریتی خسران از منظر قرآن، مطالعات قرآن و علوم، ۶: ۶۲-۹۳.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۲). میزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. عابدی، حیدرعلی، (۱۳۸۹)، کاربرد روش تحقیق پدیده‌شناسی در علوم بالینی، راهبرد، ۱۹(۵۴): ۲۰۷-۲۵۴.

۱۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ ق). تفسیر نور الثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۱۶. معروفی، یحیی و یوسفزاده، محمدرضا (۱۳۸۸). تحلیل محتوا در علوم انسانی. همدان: سپهر دانش.
۱۷. مومنی‌راد، اکبر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۴ (۱۴)، ۱۸۷-۱۲۲.
۱۸. میرزایی، نجفعلی (۱۳۸۸)، فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی-فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
19. Corbin, J. & Strauss, A. (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria. *Qualitative Sociology* 13(1), 3-21.
20. Langsdridge, D. (2007). *Phenomenological psychology: Theory, research and method*. London: Person Education Limited.
21. Jensen, Klaus Bruhn & Jankowski, Nicholas (2002). *A handbook of qualitative methodologies for mass communication research*. London: Routledge
22. Mayring, Philipp. (2014). *Qualitative content analysis: Theoretical foundation, basic procedures and software solution*. <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0168-ssoar-395173>.